



## جامعیت کتاب الهی و انتظار متقابل دین و بشر آیت الله جوادی آملی

چکیده

زیست احسن در جهان، نیازمند معرفت و نیز جهان‌آرایی است. این دو نیاز، پاسخ‌های بسیاری دارند که کامل‌ترین و عقلانی‌ترین آنها، پاسخ‌های دین است. پس انسان از دین، راه‌های جهان‌داری و جهان‌دانی و جهان‌آرایی می‌خواهد و دین خدا نیز این راه‌ها را به او می‌نمایاند. انتظار دین نیز از بشر آن است که سرمایه‌های عقلی و هنری و تجربی خود را در راه‌های پراکنده و نافرجام، هدر ندهد.  
کلیدواژه‌ها: انتظار بشر از دین، قلمرو دین، جهان‌شناسی، جهان‌آرایی.

حمد ازلی خدای سبحان را سزا است و تحیت ابدی، پیامبران الهی به ویژه حضرت ختمی نبوت ﷺ را روا است، درود و بی پایان، دودمان طاها و یاسین، مخصوصاً حضرت ختمی امامت، مهدی موجود موعود علیه السلام را به جا است. به این ذوات قدسی توکی داریم و از معاندان لدود آنان تبری می نماییم.

در این نوشتار نکاتی درباره جامعیت کتاب الهی در تبیین انتظار متقابل بشر از دین و دین از بشر و تحلیل و تحول علوم و اسلامی بودن یا شدن آن و احیای تمدن ناب دینی، مطرح می شود:

**یکم.** قرآن حکیم هم بشر را به لحاظ مبدأ فاعلی و آغاز وی معرفی کرد و هم به جهت مبدأ غایی و انجام او تعریف فرمود و هم نظام درونی او را روشن نمود و هم راه رسیدن وی به هدف نهایی خود را بیان کرد و هم راهنمای او را در این صراط مستقیم معرفی نمود و هم همراهان او را به وی شناساند و هم راهزنان این راه راست را شمرد و هم سایر شرایط و موانع را به خوبی شرح داد و پایان تلخ کژروان و سرانجام شیرین راستروان را اعلام داشت. چون انسان موجودی است متفکر و مختار، و قرآن کریم برای تمدن ناب وی نازل شد، هم علوم عهده دار بود و نبود را مطرح نمود و هم دانش های باید و نباید را ارائه کرد تا جامعه بشری در تفکر راستین محققانه به علم صائب بار یابد و در اختیار صحیح متحققانه، به عمل صالح دست یازد.

**دوم.** قرآن کریم اصول سه گانه جهان دانی، جهان داری و جهان آرایبی را به کمال تبیین نمود و اجتهاد پیرامون آن را به رهنمود برهان عقلی در صحابت دلیل معتبر نقلی و با هماهنگی درایت و روایت بر عهده کارشناسان علوم تجربی، نیمه تجربی، تجریدی فلسفی و کلامی که همگی از شعاع علوم و حیانی انبیا و اولیای معصوم بهره مندند، قرار داد و کرامت انسان را مرهون خلافت ولی از خدا تعریف کرد و خلافت او را از خدا در رعایت دقیق تعلیم بدون افراط و تزکیه بدون تفریط متخلف عنه دانست. دانایی جهان و هم آوایی مراتب آن درجاتی دارد که شناخت بخش مادی محض آن با تجربه حسی است و معرفت بخش نیمه مادی آن بر عهده دانش نیمه تجربی است و آگاهی از بخش مجرد آن، رسالت علم تجریدی (فلسفی، کلامی، عرفان نظری) است و شهود عرفانی در صورت مساعدت برهان تام عقلی یا معاونت دلیل قطعی نقلی، سهم بسزایی در معرفت امور یاد شده دارد. دارایی جهان مرهون علوم گونه گون با معرفت شناسی های یاد شده از یک سو، و مدیریت های



متنوع با گرایش‌ها و گزینه‌های متعدد سالم از سوی دیگر خواهد بود. آرایش جهان‌مدیون هنرهای متنوع است که جامع آنها داشتن مطلب معقول و ایده‌مقبول و بازپروری آن در کارگاه خیال‌پیرو عقل و متخیله‌مطیع نقل و خروجی جمال محسوس است.

سوم. دانایی جهان با فلسفه و کلام الهی است که ثابت می‌کند در نظام هستی خدا به عنوان حقیقت محض، بسیط، نامتناهی و واجد تمام کمال‌ها به طور نامحدود است و آنچه غیر از خدا است، همانند صورت آئینه و آیت و نمود آن بود حقیقی است و نیاز به آن هستی بی‌نیاز در متن هویت مرآت‌اشیای تنیده، از گونه‌استناد عرض مفارق به معروض نبوده و از سنخ انتساب عرض لازم به موضوع نیست و نیز از طیف اسناد اجزای ذاتی به اصل ذات به معنای ماهیت نخواهد بود؛ بلکه قسم چهارمی است و آن، اسناد ذاتی به اصل ذات به معنای هویت است که اصیل بوده و ذات به معنای ماهیت تابع آن می‌باشد. البته هویت اشیای امکانی همان نمود مرآت‌اشیای بود حقیقی است. چنین آگاهی حیات‌بخشی، انتظار معقول را توجیه و راه برآوردن آن را نیز تبیین می‌کند. مهم‌ترین رهاورد دین همانا رهنمودهای عقلی برای پی بردن به مبدأ هستی و ضرورت پیوند با آن حقیقت محض است و رهیابی به این مقصد سامی، نخست اهتمام به معرفت تجربی و سپس ارتقای آن به معرفت تجربیدی و تألیف قیاس‌برهانی از مقدمه تجربی و تجربیدی در آغاز و ترکیب آن از دو مقدمه تجربیدی محض در میان راه و هجرت از علم حصولی به علم حضوری در پایان آن است.

یک حمله مردانه مستانه بگردیم تا علم بدادیم و به معلوم رسیدیم

(دیوان شمس تبریزی، ص ۵۶۹)

آنچه محدث نامور ثقة الاسلام کلینی رحمته الله در اصول کافی از حارثه بن مالک نقل کرد و تأیید حضرت ختمی نبوت صلی الله علیه و آله را نیز گزارش نمود (الكافی، ج ۲، ص ۵۴)، مطلقاً از دهلیز انتقالی از غیب مفهومی به شهادت مصداقی است. همه این انتظارهای علمی را در بخش جهان‌دانی می‌توان از دین توقع داشت؛ چنان‌که متعهدان دین‌باور به آن باریافتند و هر یک در حد خویش با یافته مخصوص موحدانه به سر می‌برد.

**چهارم.** دارایی جهان با علوم تجربی و نیمه‌تجربی است که خروجی آنها کشف منابع و معادن، کیفیت استخراج آنها، نحوه پرورش مواد خام به صنایع ضروری و سودمند و عرضه منصفانه آنها به جامعه بشری، بدون تسامح علمی و تساهل صنعتی و به دور از اجحاف و احتکار و برکنار از آز و زراندوزی و وارسته از پلشتی و زشتی و مانند آن، این توقع مبارک

و انتظار بجا را برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی دین کاملاً برآورده می‌کند و راهیان صراط الهی را تجهیز می‌نماید و اگر رهنمی همراه کاروان هدایت، هم از دارایی خود سقوط کند و هم از دارایی جهان پیرامون خویش هبوط نماید، غیر از خود کسی را سرزنش نکند؛ زیرا دین انتظار درست متدین‌ها را برآورده می‌کند و هرگز در صدد رفع حاجت دین‌ستیزان و مهاجمان و منافقان نخواهد بود.

**پنجم.** آرای جهان، به مدد هنر و زیبایی اخلاقی و فنی است. انسان عقل‌مدار و عدل‌محور در حد هستی خود سهمی از خلافت خدا را دارا است. خداوند هم جهان را آفرید و هم در زیباسازی آفریده خود عنایت ویژه داشت. آنچه به طور اجمال در این دو تعبیر یاد شد، از دو آیه قرآن حکیم استفاده می‌شود: اول آنکه هر ممکنی را خدا آفرید: ﴿اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾. (سوره زمر، آیه ۶۲) دوم آنکه خدا هر چه آفرید، نیکو و زیبا و هنرمندانه خلق کرد: ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾. (سوره سجه، آیه ۷) انسان خردورز هنرمند کوشا، به رهبری دین آنچه مورد نیاز جامعه بشری است، تولید می‌کند و می‌کوشد هر چه برمی‌سازد، از بهترین و زیباترین چهره برخوردار باشد، تا با اصل هستی خود حاجت محکم‌کاری را برطرف کند و با زیبایی خویش نیاز ظریف‌کاری و ذائقه‌پردازی و لطافت روح را تأمین نماید. آنچه از دین درباره مآذنه مسجد و محراب آن رسید که اذان در مآذنه با صوت حسن و امامت امام جماعت، در محراب، با صورت احسن (هنگام تعدد مدعیان امامت) حاصل شود، نموداری از اهتمام دین به هنر نغمه‌پردازی مشروع و وجه حسن است و مهم‌تر از زیبایی ظاهری، حسن معنوی است که توصیه اکید دین به تطهیر آهنگ از فراز و فرود ناروا و تنزیه چشم از پلشتی و پالودگی است تا قداست هنر دینی به روث گناه و فرث حیوانیت آلوده نگردد و هنر انسانی با وهم و خیال حیوانی، لوث نشود و این همان صراط مستقیم است که در معرفت از شناخت موی باریک دشوارتر و در عمل از رفتن روی شمشیر تیز سهمگین‌تر است: الصراط أدقُّ من الشعر و أحدُّ من السيف. (مالی، صدوق، ص ۱۷۷)

پس انتظار بشر از دین، تعامل متقابلی است که با انتظار دین از بشر برآورده می‌شود و آنچه هم اکنون در خاورمیانه و دور و در باختر میانه و دور رخ داده و در آستانه وقوع است، محصول انتظاری است که بشر از رهنمودهای الهی دارد. امید است همگان به ویژه علاقه‌مندان قرآن و عترت به تمام آنچه انتظار محمود و ممدوح است، برسند. آمین

جوادی آملی

۱۳۹۱/۳/۲۵



منابع

۱. قرآن کریم  
کلینی، (۱۳۶۵ ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۲. بلخی، جلال الدین محمد (مولوی)، کلیات دیوان تصحیح: محمد عباسی، تهران: انتشارات طلوع.
۳. شیخ صدوق (۱۳۶۲ ه.ش)، الامالی، انتشارات کتابخانه اسلامیة.